

ناهماهنگی تصویر در شعر دفاع مقدس

دکتر بهروز رومیانی*

معصومه بخشی زاده**

چکیده

هر جریان ادبی، مشخصه‌های ویژه‌ای دارد که آن را از سایر گونه‌ها و جریان‌ها متمایز می‌سازد: درون‌مایه، تصویر، مشخصه-هایی زبانی و... در شعر دفاع مقدس نیز می‌توان خصوصیات منحصر بفردی را ملاحظه کرد؛ از جمله واژگان مرتبط با مناطق جنگی، ابزارهای جنگی، نمودهای تاریخی - سیاسی، شخصیت‌ها و بالاخره تصاویر ادبی خاص. در این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای انجام می‌پذیرد، اثبات خواهیم کرد که گفتمان جنگ و دفاع مقدس در نهایت توانسته است نظام تصویری متمایزی را به خود اختصاص دهد. با این حال در تصاویر این دوره، ناهماهنگی ویژه‌ای نیز به چشم می‌خورد.

واژه‌های کلیدی

شعر پارسی، دفاع مقدس، تصویر.

مقدمه

جنگ نیز مانند هر رویداد تاریخی - اجتماعی، تأثیرات خاصی بر شعر و ادب داشته است. همان‌گونه که رویدادهای مشابه چون حمله مغول، اشغال‌های نظامی و سیاسی و... در حافظه ادبی ثبت گردیده است. در دوره معاصر، هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی، شاعران ایرانی به دفاع از وطن، رزمندگان و مبانی فکری نظام پرداخته و اشعار ماندگاری را خلق کردند. مجموعه سرودهایی را که در قالب‌های گوناگون اعم از سنتی و نو، نیمایی و سپید شکل گرفته‌اند و درون‌مایه اصلی آنها تشویق و تکریم «دوست و تحقیر و تهدید «دشمن» و تقویت روحیه مذهبی و ملی برای حفظ وطن و انقلاب است، شعر جنگ می‌نامیم. شعر جنگ به لحاظ زمانی حداثی بین شروع تجاوز دشمن تا پذیرش قطعنامه (۵۹۸) را در بر می‌گیرد. (از رزم، از پرواز، ۱۳۷۳: ۱۲) شعر جنگ خودجوش بود. شاعران چه ضعیف و چه قوی، احساسات درونی خویش را نسبت به دفاع حق در مقابل باطل و حوادث و پیامدهای اوضاع آن به دور از هر نوع تصنع و تکلف و کسب شهرت و مکنت بیان می‌کردند. در تعریف ادبیات پایداری اظهارنظرهای گوناگونی دیده می‌شود مربوط به دفاع از فرهنگ و جغرافیای یک ملت است: «مجموعه مقالات، سخنرانی‌ها، شعرها و داستان‌هایی که مربوط به دفاع از فرهنگ و جغرافیای یک ملت می‌شود را ادبیات پایداری می‌نامند.» (محمودی، ص ۲۳۵) اما در نگاهی دقیق «بازتاب هنری - ادبی رویدادهای معترضانه، که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی و خارجی، در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می‌گوید را ادب پایداری می‌نامند.» (شفعی: ص ۱۶۵).

* استاریار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مشهد

محتوای شعر دفاع مقدس

محتوای شعر این دوره، به طور خاص به جبهه و دفاع ختم می‌شود و بیان‌گر شواهد و رویدادهایی است که شاعر به چشم دیده یا شنیده: «می‌خواستم شعری برای جنگ بگویم، دیدم نمی‌شود / دیگر قلم زبان دلم نیست / گفتم: باید زمین گذاشت قلم‌ها را / دیگر سلاح سرد سخن کار ساز نیست / باید سلاح تیزتری برداشت / باید برای جنگ / از لوله تفنگ بخوانم / با واژه فشنگ / می‌خواستم / شعری برای جنگ بگویم / شعری برای شهر خودم - دزفول - دیدم که لفظ ناخوش موشک را / باید به کار برد... اما / من از درون سینه خبر دارم / ...از آن شب سیاه / آن شب که در غبار / مردی به روی جوی خیابان / خم بود / با چشم‌های سرخ و هراسان / دنبال دست دیگر خود می‌گشت / باور کنید من با دوچشم مات خودم دیدم / که کودکی ز ترس خطر تند می‌دوید / اما سری نداشت / لختی دگر به روی زمین غلتید / و ساعتی دگر / مردی خمیده پشت و شتابان / سر را به ترک بند دوچرخه / سوی مزار کودک خود می‌برد / چیزی درون سینه او کم بود... / اما این شانه‌های گرد گرفته / چه ساده و صبور وقت وقوع فاجعه می‌لرزند / اینان / هرچند بشکسته زانوان و کمرهاشان - بی‌هیچ خان و مان / در گوششان کلام امام است - فتوای استقامت و ایثار ...»

(قیصر امین‌پور)

برخی از این اشعار نیز در وصف دل‌آوری‌ها و رشادتهای رزمندگان است:

در آبشار بلند شفق وضو کردند	نماز عشق به درگاه پاک او کردند
لباس ظلمیتان را به باد سپردند	درون چشمه خورشید شستشو کردند

(گلمرادی: ۱۱۲)

گفتم که چرا دشمنانت افکنند به مرگ	گفت که چو دوست بود خرسند به مرگ
گفتم که وصیتی نداری؟ خــــنندید	یعنی که همین است لبخند به مرگ

(امین‌پور: ۷۳)

رفت و به توشه سفر آسمانی اش	تسبیح و مهر و شانه و قرآن به جیب داشت
-----------------------------	---------------------------------------

(اخلاقی: ۵۸)

به سوسنگرد و بستان و هویتزه	که رنگین شد به خون تک سواران
گفتم که وصیتی نداری؟ خــــنندید	یعنی که همین است لبخند به مرگ

(مشفق کاشانی: ۷۹)

آه ایمن مردان عاشقی کیستند	اهل گردان ابوذر نیستند
----------------------------	------------------------

(رحمتی: ۵۲)

البته معدود اشعاری نیز با روحیه ضد جنگ و با هدف بیان ضررهای دشمنی و آسیب‌شناسی جنگ سروده شده است:

آن روزها که نور
در جیره‌بندی بود
آیا کسی تشر زد

به شاعران فربه روزگار
از شب سرودن
از مرگ گفتن
دیگر بس است؟
**چه جوانانی اسماعیل می بینی؟
چه جوانانی
بسیارشان هنوز صورت عشق را به سینه نشودند
و موهای صورت پسرها هنوز در نیامده
اگر چه زیر قران رد شده اند، قلبشان می تپد.

(براهنی: ۷۰)

ویژگی های ادب پایداری

۱ - ستایش مجاهدان و شهدا:

- با شمایم با شما، که در هر گام / دشت ها را ستاره کاشته اید / زیر باران تیغ و نیزه و تیر / حرمت عشق، پاس داشته اید.
(اسرافیلی: ۶۶)
- چه سان سینه ها را سپر ساختید / که این، سان، به معراج پرداختید؟! / چه گویم سزاوار تو، ای شهید! / حیاتاً سعیداً مماتاً
سعیداً. (همان: ۶۶)

بیا به خانه آلاله ها سری بزنیم ز داغ با دل خود حرف بهتری بزنیم
به یک بنفشه صمیمانه تسلیت گوئیم سری به مجلس سوگ کبوتری بزنیم

(امین پور: ۶۹)

«علیرضا قزوه» می سراید

خوشا آنان که جانان می شناسند طریق عشق و ایمان می شناسند
بسی گفتیم و گفتند از شهیدان شهیدان را شهیدان می شناسند

«علیرضا قزوه» در جایی دیگر می سراید:

در کوله بار غربتم یک دل از روزهای واپسین مانده است
عباس های تشنه لب رفتند، مشک صداقت بر زمین مانده است
من بودم او بود و گمنامی، نامش چه بود انگارم یادم نیست
بر شانه های سنگی دیوار، نام تو ای عاشق ترین مانده است

(قزوه: ۸۴)

۲ - ستایش جهاد:

سالها پا به پای رزم شما شعر من هم چو مرد، جنگیده است
در هیاهوی آتش و باروت مرگ را، همنشین جان دیده است

/(همان: ۴۱)

به نام خداوند جنگ و جهاد
خداوند خون و خداوند راز

که در جان ما خون غیرت نهاد
خداوند «دار» و سر سرفراز

(همان: ۵۲)

۳ - دعوت به مبارزه

سمند صاعقه زین کن سواره باید رفت
شهید زنده تاریخ عشق می گوید
بگو به یوسف اندیشه آن پیمبر دل
امیر قافله نور می دهد فرمان
رسید لحظه موعود و نیست گاه درنگ

به عرش شعله، سحر، چون ستاره باید رفت
به دار سرخ انالحدق دوباره باید رفت
به چاه حادثه هنگام چاره باید رفت
به عرصه گاه شهادت همواره باید رفت
به قاف واقعه بی استخاره باید رفت

(مردانی: ۴۶)

۴ - ستایش وطن:

خاک خوبم، وطنم، در گذر از آتش و دود
وطنم از غم گل‌های جوان گریه نکرد
وطنم حادثه‌ها دید و چنان نخل رشید

آب شد، آب، ولی از غم نان هیچ نگفت
سوخت و آب شد، آب، از سوز نمان گریه نکرد
ریشه گسترد و از اندوه گران گریه نکرد

(فیض: ۱۰۸)

(اسرافیلی: ۳۰)

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم

وطنم

ای تواناترین مظلوم

تو را دوست دارم

ای آفتاب شمایل دریادل

و مرگ در کنار تو زندگی است

ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند

«هراتی: ۷۲»

در ادامه شعر، دریچه‌ای به سوی وطن از نظرگاه دینی می‌گشاید:

کجای زمین از تو عاشق‌تر است

ای چشم‌انداز روشن خدا

وقتی خدا رحمت بی‌نهایتش را باریدن می‌گیرد

می‌گویم شاد

از تو تشنه‌تر نیافته است

(همان: ۷۲)

هراتی در پایان مظاهر ملی و دینی را هم در وطن در می‌آمیزد و می‌گوید:

ای رویین تن متواضع

ای میزبان امام

ای پوریای ولی

ای طیب

ای وطن من

(همان: ۷۳)

- ستایش چهره‌های شاخص انقلاب:

به هر جا کنون نهضت حق به پاست
و آنان که از حق نشان داشتند
الا پیر روشن دل حق پرست!
ز اشراق اندیشه پیر ماست
به نام خمینی قد افراشتند
که تکبیر تو سحر باطل شکست

(اسرافیلی: ۵۸)

۶- طرح الگوهای تاریخی:

سیم بگذار، بیا مثل ابوذر باشیم
سیم بگذار، بیا مثل ابوذر باشیم
نیست پیغمبر اگر، همره حیدر باشیم

(اسرافیلی: ۷۶)

۷- امید به آینده و ایجاد نشاط و روحیه:

سیم بگذار، بیا مثل ابوذر باشیم
برای رویش شب بوها ز خاک فرصت دیگر هست
نیست پیغمبر اگر، همره حیدر باشیم
مجال سبزتری در دل، برای عشق میسر هست

(وحیدی: ۱۳۷۸)

- ۸

حراست از وطن: باز برخیز که حلقوم شهیدان باشیم
قبله گاهی ست در این ملک نگهبان باشیم
معبد اینجاست اگر کعبه و قرآن خواهید
سنگر این جاست اگر شوکت ایمان خواهید
پاس این کعبه و این قبله و قران با ما ست
علم حادثه و خون شهیدان با ما ست.

(اسرافیلی: ۷۶)

۹- استفاده از فرهنگ مذهبی (به ویژه فرهنگ عاشورا)

- وارث بلند حسین! / بوی این خاک بوی عا شورا است / و آن غبار که می رسد از دور / از هجوم پلید رهن ها ست.

(اسرافیلی، ۱۳۷۸، ۷۶)

۱۰- ترسیم چهره مردم جنگ زده:

سیم بگذار ،بیا مثل ابودر باشیم
برای رویش شب بوها ز خاک فرصت دیگر هست
نیست پیغمبر اگر ،همره حیدر باشیم
مجال سبزتری در دل ،برای عشق میسر هست
موسیقی شهر بانگ رودا رودا است
خیناگری آتش و رقص دود است
بر خاک خرابه‌ها بخوان قصه جنگ
از چشم عروسکی که خون آلود است

(امین پور: ۱۳۸).

بر سر شان‌های زخمی شهر
نعلش صد آفتاب می‌چرخد
باد، در جامه بلند و سیاه
غرق در اضطراب می‌چرخد

(اسرافیلی: ۴۷)

- شهر ما از حجله اکبر پر است / از صدای ضجه اصغر پر است / اصغر بغض پرستاران شده / اصغر در خواب بمباران شده / اصغر مخلوط آهن پاره‌ها / اصغر چسبیده بر دیوارها / اصغر از مو شناسایی شده /... (عزیزی، ۱۳۷۸: ۱۰۲)

۱۱- نفرین و اظهار انزجار از بیدادگران:

دلم شکسته‌تر از شیشه‌های شهر شماس / شکسته باد کسی کاین چنین مان می‌خواست. (محمودی، ۱۳۸۵، ۱۲۳)

بررسی تصویر در شعر دفاع مقدس

مبحث علمی تصویر و طرح آن در زبان پارسی، قدمت زیادی ندارد. نخستین بار استاد فرزانه، دکتر شفیعی کدکنی در این باره سخن گفته‌اند: «بحث از تصویر را نخستین بار دکتر شفیعی کدکنی در کتاب صور خیال در شعر فارسی مطرح کرد و از جنبه نظری و عملی آن را به دقت در شعر فارسی به بحث گذاشت. تصویر در نقد جدید، در عام‌ترین مفهوم، بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود، یعنی آن بخش از کاربردهای خلاقانه و هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید. اما تعاریف متنوعی از این اصطلاح شده است که برخی از آنها را از نظر می‌گذرانیم. ۱- ایماژ: عکسی است که از کلمات حاصل می‌شود. ۲- تصویرگری، عبارت است از نمایش تجربه حسی به وسیله زبان. ۳- تصویر به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی (تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز) اطلاق می‌شود. هر کدام از این تعاریف‌ها تلقی خاصی از تصویر ارایه می‌کند. همین چند تصویر نشان می‌دهد که اصطلاح تصویر، دامنه معنایی گسترده‌ای دارد.» (فتوحی: ۴۱-۴۲)

این زبان مجازی و هنری تحت تأثیر زمان و سبک نیز بوده است «تخیل و تصویرپردازی عرصه تمرین آزادی و خلاقیت است. هر هنرمندی به طرز خاص خویش به جهان می‌نگرد و نگاهش متأثر از حالات عاطفی و روحی اوست. تاریخ ادبیات به روشنی نشان می‌دهد که شاعران در ادوار مختلف، پدیده‌های جهان را به گونه‌ای متفاوت دیده و به تصویر کشیده‌اند. دوره کلاسیک به ستایش طبیعت برخاسته و با کلمات به نقاشی طبیعت پرداخته‌اند. در عصر رمانتیک، طبیعت را ما در هنر و سر چشمه الهام دانسته‌اند و احساس خویش را در اشیا جاری کرده‌اند. هر کدام از این نگرش‌ها در هر عصری ناشی از نوع نگرش و حالات روحی و عاطفی خاصی بوده که بر روح آن عصر غلبه داشته است.» (همان: ۶۷)

دفاع مقدس و فرهنگ و ادبیات آن بر صور خیال شاعران و زبان مخیل آنان تأثیر کرده و واژگان و اصطلاحات که مفهوم جنگ و نبرد داشته نه تنها در سبک ادبی و شاعرانه بلکه در سبک و زبان عادی نیز تأثیر کرده سخنوران با بهره‌گیری از این

اصطلاحات، فضای شعر را با مفهوم دفاع مقدس و جنگ گره زده‌اند.

عبدالجبّار کاکایی گوید:

حرف من برای تو

کاغذ مچاله است

گوش تو برای من

سطلی از زباله است

آه! موی صورتم سپید شد

پشت سیم خاردار خنده‌ات

حرف من شهید شد.

(کاشانی: ۲۴)

آه اگر شعر دمی قفل لبم بردارد

کهکشانی ز شهیدان به زمین می‌بارد

(ابراهیمی: ۱۱)

شب چو در محراب خون قندیل ماه آویختند

رشته لعلی از شهیدستان ما بر داشتند

هاله‌ای بر گرد وی از دود آه آویختند

قدسیان بر گردن خورشید و ماه آویختند

(مشفق کاشانی: ۱۳۳)

از ویژگی‌های تصویری شعر دفاع مقدس، تصویرپردازی به واسطه ابزار جنگی می‌باشد مثل خمپاره، نارنجک، مین و ...

وسایلی که مفهوم علامت و نشانه پیدا کردند مثل: چفیه، پلاک و ...

زمانی ژست رویایی چفیه بود

چفیه یعنی دل عاشق چق - در افتاده است

رفیق اشک و تنهایی چفیه بود

زخم می‌بندد و غم سفره غم سجاده است

(ابراهیمی: ۲۱)

در تصویرسازی، برخی واژگان چون: شقایق، لاله، کبوتر، گل بهار، گل‌های شقایق غربت‌سوز، آئینه، پرستو، آلاله‌های

پرپر، شمشاد، سرو، نخل گل سوری، سوسن، نیلوفر، گل شب بو، صنوبر، خورشید، مرغان مهاجر، و ... نماینده و سمبل شهید

و شهادت می‌باشند.

به سوگ لاله نشانیدیم باغ حوصله را

نسیم سرخ به رگ‌های شب دوید و گشود

به دشت داغ کشانیدیم، پای قافله را

دهان بسته گل زخم‌های حوصله را

(مشفق کاشانی: ۱۴۹)

ماییم باقی مانده از نسل پرستوها

یکبار دیگر می‌رسد فصل پرستوها

(شریفی: ۱۵)

در فصل عطش صنوبرم را کشتند

آرامش سبز باورم را کشتند

(وحیدی: ۳۸)

تشبیه در شعر دفاع مقدس

در شعر پایداری تشبیه فراوان‌تر از دیگر تصاویر بیانی دیده می‌شود و ما در تشبیهات این دوره فقط شاهد تصاویری از مصادیق ادبیات پایداری (جنگ، جبهه، شهادت، عناصر مذهبی، مقاومت و...) نیستیم بلکه تصاویر مربوط به طبیعت و موضوعات گوناگون دیگر در شعر این دوره فراوان دیده می‌شود و در شواهدی که خواهیم آورد این مفهوم به وفور دیده خواهد شد.

چو ماه روشنی از غیر عاریت نکنم / من آفتابم و گرم از شرار خویشتم

(قصری: ۳۲)

چون گل به مزار خویش در خون خفتند / چون لاله زخاک بر دمیدند همه

(شاهرخی: ۷۶)

ز ریشه خشک نگرده، چمن اگر چمن هست / مرا چو خیل شهیدان به یاد بسپارید

(قصری: ۵۶)

آه از این آشنایان که خوردند سال‌ها مثل یک کرم خاکی

اعتماد سپید دلم را، ریشه های سپیدار من را

(سعیدی: ۲۱)

– نه چه می گویم این آشنایان، مثل کابوسی از وحشت و درد / بارها دیدم آشفته کردند خواب سرسبز افکار را. (سعیدی: ۲۰)

– و آنقدر به حسابم واریز می‌شدی / که مثل لامپ، دلم عین روشنایی می‌شد.

(رحیمی: ۷۷)

– و حالا که فرا رسیده‌ای / تعطیل تعطیلم، چون رودخانه بیکاری / که استعدادش / تحلیل رفته. (رحیمی: ۸۵)

– سر به صحرا می‌گذارم تا کویرستان هستی / شاید از ابر کرامت گریه باران ببینیم. (مشفق کاشانی: ۹)

– آن پریزاد که در شیشه دل خانه گرفت / خلوتی داشته با مردم دریایی من. (همان: ۸۴)

– باری غرابت لرزان روزها کش می‌دهد مرا / و بذر حوصله، در گوشی تلفن جوانه می‌زند. (رجایی: ۴۴)

– دشت بود و انتها نبود / آسمان و خاک / در کرانه افق / سر به گوش نهاده / مرد خسته را / زیر تازیانه نگاهشان / خنده می‌زدند.

(نظافت: ۸۸)

اما در این تصاویر، یکسانی و هماهنگی خاصی به چشم نمی‌خورد. در کنار تشبیهاتی که بیان‌گر نگرش مذهبی است، می‌توان شواهدی دال بر طبیعت‌گرایی، نمادگرایی، واقع‌گرایی را ملاحظه کرد. در ابیات ذیل، نگرش مذهبی غالب است:

همه تشنه کرم توایم، به خدا قسم علی ای علی / چو کبوتری که شود مقیم، به در حرم علی ای علی (عباسی قصری: ۸۳)

شبی که ماه جمال احمد ز شام تار حجاز سر زد / خدا خودش هم به وجد آمد چو دید ماه جمال او (همان: ۸۱)

برخی اشعار، بیانگر تصویرسازی به واسطه واژگانی از جبهه و جنگ و پایداری است:

از چشمه‌های شرجی چشمان او / می‌رس / کارون و کرخه داشت در اهواز می‌گریست (همان: ۲۹)

چگونه خاک دگر را عوض کنم با تو / مگر که خاک عزیز وطن، چو پیرهن است (همان: ۵۳)

طبیعت‌گرایی نیز در تشبیهات این دوره ملاحظه می‌شود:

تا ابرهای تیره تردید / سیمای آفتاب عزیزش را / در پرده‌های قهر نپوشاند (محبت: ۲۶)

نخل ایمان و بذر احسان را / در دل خویش بارور کردند. ۴۱

ما قطره قطره‌های پراکنده / ما جویبارهای رها در مسیر شوق (محبت: ۲۶)

هرکه را دیده بر آن چهره گلگون افتاد / چون شقایق از داغ تو، پرخون افتاد

(موسوی گرمارودی: ۱۹)

- ای بذر غم / و شکوفه درد / بر دشت عقیق خون، گل زرد (همان: ۳۹)

- گفتم این غنچه لبان، خون که در سر دارند / گفت بگذر چو صبا از سخن خامی چند. (همان: ۱۶)

- گیاه آبی ام، بی بهار می‌رویم / مگر، همان گذرد، گاه از سر بلمی و... (همان: ۱۳)

- چو فجر کاذبم انگار و هیچ سوی نی‌ام / نه در پگاه وجودی، نه در شب عدمی (همان: ۱۳)

- منم چو شبنم و تویی چو پرتو نگاه خور / که «لحظه‌واره» مرا: همواره وار می‌کنی. (همان: ۱۱)

- من شعرشعیم / در دست دیگر همه شمشیر / بر سینه‌ام: گلداغ ارغوان صدها هزار زخم (همان: ۹۲)

- می‌گشته‌ام همواره: در کوچه‌های پاک عدالت / در باغ‌های سرخ شهادت / اکنون...

(همان: ۹۲)

- و اینک منم، این شعرشعیه - یک باغ، داغلاله خون‌رنج / یک مثنوی سروده شمشیر / یک

- دوستی در کودکی، مردانه است / این یکی شمع است و آن، پروانه است (ذکاوت: ۶۳)

- دلا! تمامی یاران چو رود کوچیدند / ولی دریغ که تو آب پشت سد بودی. (همان: ۸۱)

- برگم و از ریشه دور افتاده‌ام / مثل نی، از بیشه دور افتاده‌ام (همان: ۹۲)

- رها کن ما از قفس دان خاک / دلیم مثل بسمل نفس می‌زند. (همان: ۹۲)

- خاک، گویا بر خط ابرویشان دل داده است / باد، هم چون زائری چرخنده گرد خالشان. (همان: ۹۹)

- آخرین جمله دفترچه هستی عشق است / عشق، خود چیست؟ سر آغاز کلام شهادت. (همان: ۲۱)

استعاره در شعر پایداری

«استعاره در لغت مصدر باب استفعال است. یعنی عاریه خواستن لغتی را به جای لغتی دیگر» زیرا شاعر در استعاره واژه‌ای را به علاقه مشابهت به جای واژه دیگری به کار می‌برد. (شمیسا: ۱۵۷) استعارات این دوره عمدتاً جهت تصویرگری شهدا و جانبازان؛ ائمه اطهار و شخصیت‌های مذهبی، ادبی و تاریخی؛ نمایش شکل دشمنان است. که برخی از مثال‌های مربوط به این دوره بدین شرح است:

۱- ۲- ۲- استعاره از شهدا، رزمندگان و جانبازان:

شعرای این دوره جهت نشان دادن تصویر شهدا از تصاویر آسمانی نظیر آفتاب، ماه و ستاره استفاده نموده‌اند. چرا که این عناصر نماد پاکی و درخشانی هستند و شهدا نیز هم‌چون این مصادیق پاک و علوی هستند.

۱- ۱- ۲- ۲- بوسه می‌زنم ای ماه رد پای زخمت را. (وحیدی: ۴۰)

۱- ۲- ۲- هم‌چنین از دیگر تصاویری که برای شهدا به کار برده‌اند تصاویر مرتبط با گل‌هاست. نظیر غنچه خونین، شقایق، لاله، ارغوان، گل سرخ. دلیل استفاده از این موارد این است که شهدا چون گل لطیفند و همان‌طور که عمر گل بسیار

اندک است شهدا نیز عمرشان چون گل کوتاه است. دیگر اینکه از گل‌های به رنگ قرمز استفاده کرده‌اند که این خود نشان‌دهنده سرخی خون آنهاست.

مثال: آه که داغ لاله‌ها بسته ره نفس مرا. (وحیدی: ۳۷)

مثال: آی مردم! به خدا داغ کبوتر دیدم / هر کجا گام زدم لاله پرپر دیدم. (وحیدی: ۶۹)

مثال: تا سرزمین عشق پر از ارغوان گردد. (وحیدی: ۱۶)

مثال: همسفران لاله / هم‌قطاران شقایق / از بازگشت پرستوهای عاشق / می‌گویند. (شرف شاهی: ۴۲). با این که لاله و شقایق دو تصویر تکراری هستند اما ترکیب این دو کلمه با هم سفر و هم قطار آنها را زیبا و نو جلوه داده است.

- دریا: نماد عظمت، وسعت و پاکی است که این خود گویای عظمت جایگاه شهدا و ائمه است.

خبر دهید که دریا به چشمه خواهد ریخت / خبر دهید به یاران به غدیر می آید

(رحمدل: ۷۶)

- سرو: در ادبیات نماد قد بلندی است اما به نظر می‌رسد که در ادبیات پایداری نماد آزادی است. و بدین منظور رزمندگان را به سرو تشبیه کرده است.

مثال: به پاکپازی ما سروی، به دشت خرم باور هست. (وحیدی: ۲۳) **اس** از: جوانان دلیر

- پرستوی مهاجر یا عاشق: از ویژگی‌های پرستو، مهاجر بودن اوست. اگر منظور از او شهید باشد این استعاره نشان‌دهنده این است که شهید با شهادتش از این دنیا به سرای باقی کوچ می‌کند. و اگر منظور از آن آزاده باشد وجه شبه بازگشت وی از اسارت‌گاه به وطن را ذهن می‌رساند.

مثال: همسفران لاله / هم‌قطاران شقایق / از بازگشت پرستوهای عاشق / می‌گویند. (شرف شاهی: ۴۲)

- اکسیر دوام: اکسیر ماده‌یی است که یه هرچیز که بزنند آن را ناب و باارزش می‌کند، از این گذر، شهید نیز برای وطن خود اکسیر و مایه ارزش است.

مثال: ... بر لحظه سرمستان اکسیر دوام آمد. (رحمدل: ۱۴)

- شیر: شجاعت و دلاوری شهدا مد نظر است.

مثال: و شیر دولت ایمان / تا شامگاه تیره ضربت خوردن / از او نگهبانی کرد. (صفارزاده: ۶۲)

- کبوتر: پاک و معصوم بودن را به ذهن می‌رساند.

مثال: آی مردم! به خدا داغ کبوتر دیدم / هر کجا گام زدم لاله پرپر دیدم. (وحیدی: ۶۹)

- نخل تناور: استوار و محکم بودن آن مد نظر است.

مثال: ... به هر طرف نظر اندازم، هزار نخل تناور هست. (وحیدی: ۲۳)

- استعاره از ائمه اطهار (شخصیت‌های مذهبی، ادبی و تاریخی): علاوه بر تصاویری که برای شهدا به کار برده‌اند از تصاویری نظیر: مخزن بینایی، ستون قدسی، اسم اعظم، چشمه‌سار تامل، چشمه نور و... غیره استفاده کرده‌اند.

- مخزن بینایی: وجه شبه در این مورد بصیرت بالاست که ائمه از بینش والایی برخوردارند.

مثال: حتی در آن زمان / که در جوار پیمبر بودند / در جوار مخزن بینایی / تاریک بود. (وحیدی: ۶۷) استعاره از حضرت

محمد.

- اسم اعظم: اسم اعظم را انسان‌های عادی نه به آن علم دارند و نه آن را درک می‌کنند. و فقط افراد خاصی چون ائمه و اولیا خداوند به آن مطلع هستند. و دیگر این که، در خود کلمه اسم اعظم یک نوع عظمت و بزرگی است و از این رو عظمت ائمه را به اسم اعظم تشبیه کرده‌اند.

مثال: چنان بر اسم اعظم زخم زد شمشیر زهر آلود... (وحیدی: ۴۶) استعاره: از حضرت علی (ع)

- ستون قدسی: ستون نماد پایداری، استحکام و تکیه‌گاه است. ائمه نیز چون ستونی تکیه‌گاه امت خود هستند. این تصویر تازه و نو است.

مثال: چشم و چراغ امامت / ستون قدسی رفعت / و پیکر ستر رشادت / را به پرویز بدل کردند. هر سه، استعاره از امام حسین می‌باشد.

- چشمه‌سار تامل: چشمه خود منبع آب است (چشمه سار تامل = منبع تامل) ائمه هم برای امت خود منبع تامل و علم هستند.

مثال: جام شتاب را / جایی که چشمه‌سار تامل بود / خالی ز محتوای فکر و تعقل / یک‌باره سر کشیدند. (صفارزاده: ۴۶)
- استعاره از دشمنان:

در ادبیات پایداری جهت نمایش دادن شکل دشمنان به تصاویری نظیر حیوانات و خزندگان وحشی و شوم روی می‌آورند.
۱ - حیوانات وحشی: گرگ، کفتار، کرکس و سگ: ویژگی این حیوانات وحشی بودن آن‌هاست و دشمن نیز، دارای همین ویژگی است.

مثال: قرن ائتلاف کرکس و کفتار / قرن سازمان‌های ملل قوی / قرن میمون‌های مقلد / قرن حشره‌های کوچک خود بزرگ‌بین. (شرفشاهی: ۴۴)

مثال: ... و به سگی که شاخه زیتون به دندان دارد / اعتماد نکنی. (همان: ۵۳)

۲ - خزندگان: مار، زالو، کرم ساقه‌خوار: وجه شبه، خون‌خوار بودن و نیش زدن را به ذهن می‌رساند. از این جهت دشمن به این موارد تشبیه شده است.

مثال: و مارهای کوچک خون‌آشام / بر شاخه‌های زخم ریشه کرده‌اند. (رحمدل: ۷۱)

۳ - پرندگان شوم: جغد و کلاغ که هر دو در ادبیات نماد شومی و نحوست است. از این جهت است که دشمن را به این موارد تشبیه کرده‌اند.

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، ادبیات پایداری و مفاهیم آن خود را در استعاره متجلی کرده است و البته اکثر این تصویر مربوط به طبیعت می‌باشد. (گل، سرو، جوی، دریا، چشمه، کبوتر...)

البته استعارات با رویکرد مذهبی نیز ملاحظه می‌شود:

هیچ‌جا کج نکه هیچ پلنگی نکنند / همه‌جا در خطر آهوی حرم باشد (عباسی: ۱۴)

جز به نام علی این قلعه نشد هرگز فتح / می‌کند فخر به خود چون در خیبر، گوشم (همان: ۱۷)

روزها خلافت را شیر بیشه حق بود / شب که می‌رسید از راه پیشه را دگر می‌کرد (همان: ۱۵)

محمد جواد محبت:

۱ - (نذر علی اصغر) بلور روشن رویا چقدر خوبی تو / گل همیشه تماشا چقدر خوبی تو ۷ - استعاره از علی اصغر (ع) - مجرد. تصویر بلور روشن رویا تازه است.

۲ - (نذر علی اصغر) تبسم خوش گل ها - چقدر خوبی تو / تو را زتار دل خویش می دهم آواز ۷ - استعاره از علی اصغر (ع)

۳ - (نذر علی اصغر) تو ای شکوفه پاک، گل همیشه بهار / به باغ حضرت زهرا چقدر خوبی تو. ۸ - هر دو استعاره از علی اصغر (ع)

۴ - شکفته چون نکند لاله های عشق مرا / تو را که حنجره در پرده هزار آواست ۱۴ - استعاره از شهدا

۵ - بپوش جامه زخون شفق که پوشانند / زقطره های شقایق، سپیدزاران را ۲۷ - استعاره از شهدا ۲ - اس از وطن مرشحه.

۶ - (نذر حضرت زهرا) گوهر پاکت به مریم - هم طراز / هم چو مریم، اهل راز، اهل نماز ۲۸ - استعاره از حضرت زهرا

۷ - برای حضرت زهرا) گل کجا تاب خشونت دارد.؟/..... ۳۵ - استعاره از حضرت زهرا - مجرد.

۸ - (پیشکش به حضرت زهرا) او را به خاک تیره، نه پرواز می دهد / در آسمان کبوتر از بند رسته را ۳۴ - استعاره از حضرت زهرا - مرشحه. (سنجری: ۳۴)

بر خاست آتش از دل گل ها و غنچه ها / وقتی که آن حماسه پرپر به خون نشست. استعاره از فرزندان امام حسین. (همان: ۳۸).

کم کم در امتداد افق مثل یک شهید / خورشید لحظه های مقدر به خون نشست. (همان: ۳۹) استعاره از امام حسین

سقای کبوتران لب تشنه عشق / همدوش عطش به آب و آتش می زد (سنجری: ۹۹) استعاره از فرزندان امام حسین

- تو از قبيله خونی / و ما از تبار جنون / خون تو در شن فرو شد / و از سنگ جوشید / ای باغ بینش ستم، دشمنی زیباتر از تو ندارد / و... (همان: ۱۶۹) استعاره از: امام حسین

- با نهرهای جاری خوناب / با بوته های سرخ شهادت / و آن سروهای سبز دلاور / (نظافت: ۶۶) استعاره از شهدای کربلا

- ای روشن خدا / در شب های پیوسته تاریخ / ای روح لیلة القدر / حتی اذا مطلع الفجر /... (همان: ۵۲) استعاره از حضرت علی

- ای چادر عفت لولاک / از شرم تو، شرم را جگر پاک / یک دشت، شقایق بهشتی / بر سینه زداغ و درد کشتی / ای بدر

غم / و شکوفه درد / بر دشت عقیق خون، گل زرد. (همان: ۳۹) استعاره از حضرت زینب

۵ - (هی هی از این عشق خوش احمدی): ای سمن باغ خداوندگار / سرو غلام قد ناژوی توست / (همان: ۱۱) استعاره از پیامبر

۶ - بوسه بر لعل سخنگوی نگاری چو زدی / شرح شیرینی آن قند، به تکرار بگوی. (همان: ۱۵) استعاره از لب

۷ - کجایی ای گل خورشید باغسار وطن / که بی تو طرف چمن، جای زندگانی نیست. (همان: ۱۰) استعاره از شهدا

۸ - وقتی که آب / جاری تر از سرشک / جاری تر از خون / نیست / و سپیدار سبز / به نماز شقایق / قامت می بندد / و کوه

/ از شکیب باستانی خود / در رنج است. (همان: ۳۵) استعاره مکنیه

۹ - ای سرو بلند باغ ایمان / وی قمری شاخسار احسان. (همان: ۴۱) استعاره از حضرت عباس

صفارزاده

۱ - ددان تاریخ / در حفر خندق آدم سوز / و نصب موشک آدم سوز... - استعاره از ظالمان (صفارزاده: ۲۱)

۲ - جام شتاب را / جایی که چشمه‌سار تامل بود / خالی ز محتوای فکر و تعقل / یکباره سر کشیدند. استعاره از حضرت علی (همان: ۴۶)

۳ - گنجی که در کمرکش سقیفه ربودند.. استعاره از خلافت - همان: ۵۸

۴ - و شیر دولت ایمان / تا شامگاه تیره ضربت خوردن / از او نگهبانی کرد. استعاره از حضرت علی (همان: ۶۲)

۵ - چشم و چراغ امامت / ستون قدسی رفعت / و پیکر ستبر رشادت را / به پرویزن بدل کردند. هر سه استعاره از امام حسین است.

۶ - و در ظلام آن همه تنهایی / ستارگانی تنها / نا پیدا / چراغدار پیروی اویند. استعاره از پیروان امام علی (همان: ۶۸)

۷ - در تنگنای خوفگاه شام غریبان / نور و نوید نافذ تقدیر / قلب حزین را روشن می‌دارد. استعاره از حضرت مهدی (همان: ۸۵)

نتیجه

در شعر پایداری، تصویرها و صنایع ادبی خاصی به چشم می‌خورد که قابل دسته‌بندی و بررسی است. با این حال تصویرها از حوزه‌های متنوع و گاه متضادی است که به بنا به دلایل اجتماعی - تاریخی در کنار هم قرار گرفته‌اند. تصویرها عموماً از جریان شعر آیینی، مکتب رمانتیسیم و نمادگرایی مخصوص شعر معاصر سرچشمه گرفته است. از این میان، استعاره‌ها عمدتاً مأخوذ از شعر آیینی است.

منابع و مأخذ

- ۱ - ابراهیمی، حسین. میاندار. مشهد: کنگره بزرگداشت سرداران خراسان، ۱۳۷۸.
- ۲ - از رزم. از پرواز گزیده‌ای از اشعار دفاع مقدس. ناشر، کنگره بزرگداشت سرداران سپاه و ۳۶ هزار شهید استان تهران: چاپ اول، ۱۳۷۷.
- ۳ - اخلاقی، زکریا. تبسم‌های شرقی. نشر ذوی القربی، ۱۳۸۹.
- ۴ - اسرافیلی، حسین. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۵)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۵ - امیری اسفندقه، مرتضی. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۳۴)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۶ - امین‌پور، قیصر. تنفس صبح. تهران: هنر و اندیشه اسلامی. امین پور، قیصر (۱۳۷۲) آینه‌های ناگهان، تهران، افق، ۱۳۶۳.
- ۷ - امین‌پور، قیصر. سنت و نوآوری در شعر معاصر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۸ - براتی‌پور، عباس. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۲۴)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۹ - ذکات، خلیل. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۶۷)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.

- ۱۰ - ذکاوت، خلیل. اما دلم نیامد. شیراز: نیم نگاه، ۱۳۸۱.
- ۱۱ - رجایی، نرگس. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۷۳)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۱۲ - رحمتی، عبدالحسین. آن روزها رفتند. تهران: شاهد، ۱۳۷۹.
- ۱۳ - رحمدل، غلامرضا. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۶۶)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۱۴ - رضایی نیا، عبدالرضا. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۲۷)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۱۵ - سنجرى، محمود. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱۳)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۱۶ - شاهرخی، محمود. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۲۱)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۱۷ - شریفی، محمود. از نسل پرستوها. تهران: شمس اردهال، ۱۳۸۰.
- ۱۸ - شفیعی، امین. آنچه گفتم تمام دلم نیست. شیراز: انتشارات تعقل، ۱۳۸۵.
- ۱۹ - شفیعی، خلیل. خاکریز آسمان. شیراز: انتشارات تعقل، ۱۳۸۵.
- ۲۰ - شفیعی، سیدضیا، خیال‌های شهری. تهران: تکا، ۱۳۸۷.
- ۲۱ - شمیسا، سیروس. معانی بیان. تهران: نشر فردوس، ۱۳۸۲.
- ۲۲ - صفارزاده، طاهره. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۲۳ - عزیزی، احمد. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۵۵)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۲۴ - عباسی قصری، کیومرث. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۴۰)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۲۵ - فتوحی رود معجنی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵.
- ۲۶ - فیض، ناصر. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۶۵)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۲۷ - فیض، ناصر؛ گل، غزل. گلوله. تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس. ۱۳۷۲.
- ۲۸ - قزوه، علیرضا. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۴۱)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۲۹ - قزوه، علی‌رضا. از نخلستان تا خیابان. تهران: سوره مهر، چ ۶. قزوه، علی‌رضا، ۱۳۸۷، سوره انگور، تهران: تکا. ۱۳۸۵.
- ۳۰ - کاشانی، سپیده. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۳۱)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۳۱ - کاشانی، مشفق. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱۴)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۳۲ - کاکایی، عبدالجبار. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۷)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۳۳ - گل مرادی، شیرین‌علی. آوازهای گل محمدی. چاپ و نشر فرهنگ گستر، ۱۳۸۱.
- ۳۴ - گل مرادی، شیرین‌علی. نخل‌های تشنه. چاپ و نشر فرهنگ گستر، ۱۳۷۸.
- ۳۵ - محبت، محمد جواد. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۶۸)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۳۶ - مردانی، نصرآ ... قانون عشق. تهران: نشر صدا، ۱۳۷۸.
- ۳۷ - مردانی، نصرآ ... آتش نی. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰.
- ۳۸ - مشفق کاشانی، عباس، سیرنگ. تهران: فرهنگ گستر، ۱۳۸۲.
- ۳۹ - موسوی گرمارودی. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۲)، تهران: نشر نیستان. ۱۳۷۸.
- ۴۰ - نظافت، مجید. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۳۳)، تهران: نشر نیستان. ۱۳۷۸.
- ۴۱ - وحیدی، سیمین‌دخت. مجموعه شعر. گزیده ادبیات معاصر (۱۸)، تهران: نشر نیستان، ۱۳۷۸.
- ۴۲ - هراتی، سلمان. آب در سماور کهنه. تهران: تکا، ۱۳۸۶.